

بسم الله الرحمن الرحيم

تدبر در قرآن

سوره مبارکه معارج

استاد ضرابی

مرداد-آبان ۱۴۰۱

جلسه چهارم ۱۴۰۱/۷/۱

آیات شریفه: «إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا (۶) وَنَرَاهُ قَرِيبًا (۷) يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ (۸) وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ (۹) وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا (۱۰) يُبْصَرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ (۱۱) وَصَاحِبَتِهِ وَأَخِيهِ (۱۲) وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ (۱۳) وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ (۱۴)» - زیرا آنان (عذاب) را دور می بینند (۶) و (ما) نزدیکش می بینیم (۷) روزی که آسمان ها چون فلز گداخته شود (۸) و کوه ها چون پشم زده گردد (۹) و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی (حال) نپرسد (۱۰) آنان را به ایشان نشان می دهند گناهکار آرزو می کند که کاش برای رهایی از عذاب آن روز می توانست پسران خود را عوض دهد (۱۱) و (نیز) همسرش و برادرش را (۱۲) و قبیله اش را که به او پناه می دهد (۱۳) و هر که را که در روی زمین است همه را (عوض می داد) و آنگاه خود را رها می کرد (۱۴)»

«إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ بَعِيدًا * وَنَرَاهُ قَرِيبًا» کافران عذاب روز قیامت را دور می بینند ولی ما آن را نزدیک می بینیم» مؤمنین بر عکس منکران، قیامت را نزدیک می بینند و از آثار و برکات آن بهره می برند؛ زیرا قرآن می گوید شما در حال ملاقات مرگ هستید «فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ» (جمعه/۸) یعنی به آینده موکول نمی کند، هر لحظه ممکن است این اتفاق بیفتد. مرگ حقیقتی قطعی و غیرقابل انکار برای هر موجود زنده ای است: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ» هر کسی چشنده مرگ است و سپس به سوی ما بازگردانده می شود. (ص/۴۶)

حقیقت مرگ: مرگ نخستین منزلگاه از منازل آخرت و آخرین منزل از منازل دنیا است، در دین مبین اسلام بعد از مسأله توحید، مسأله ای مهم تر از مسأله یاد مرگ و قیامت وجود ندارد و حتی اعتقاد به خدای متعال و اعتقاد به توحید، همانند اعتقاد به آخرت و مرگ، در تغییر و اصلاح رفتار و اعمال آدمی تأثیر ندارند. پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود: «إِذَا مَاتَ أَحَدُكُمْ فَقَدْ قَامَتْ قِيَامَتُهُ، يَرَى مَا لَهُ مِنْ خَيْرٍ وَ شَرٍّ» هرگاه یکی از شما بمیرد، قیامتش برپا شده است، خوبی ها و بدی های خود را می بیند» (کنز العمال: ۴۲۱۲۳)

برترین عبادت: همچنین پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله) می فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَأَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ» - برترین عبادت و برترین تفکر یاد مرگ است» (بحار الانوار، ج ۶، ص ۱۳۷)

امیر مؤمنان (ع) با یاد آوردن مرگ و تبعات آن، مردمان را به اصلاح خود می خواند و می فرماید: «أَذْكُرُوا انْقِطَاعَ اللَّذَاتِ، وَ بَقَاءَ التَّوْبَاتِ» - به یاد دارید که لذت ها تمام شدنی است، و پایان ناگوار آن بر جای ماندنی. (نهج البلاغه، حکمت ۴۳۳)

صورت از بی صورتی آمد برون
پس ترا هر لحظه مرگ و رجعتی است
حضرت امیر (علیه السلام) در وصیت به امام حسن (علیه السلام) فرمود: «يَا بُنَيَّ أَكْثَرُ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَذِكْرِ مَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ... - پسرکم! فراوان به یاد مردن و به یاد پیشامدهای بعد از مرگ که ناگاه به آن در می آیی، باش و مرگ را جلوی چشمان خود تصور کن تا آنگاه که نزد تو می آید، خود را آراسته و

آماده نموده و کمر خود را بسته باشی که مبدا ناگهان بیايد و تو را مغلوب سازد و در حالی که فریفته شده‌ای تو را دریابد. فراوان به یاد آخرت و نعمت‌ها و عذاب دردناک آن باش که همانا یاد آخرت زهدورزی در دنیا را به تو می‌آموزد و دنیا را در نزد تو كوچك و خوار می‌سازد» (نهج البلاغه، نامه ۳۱)

درهم‌شکننده شهوات: مهم‌ترین وجوه اهمیت یاد مرگ و قیامت در کلام امام صادق "علیه السلام" این است که «ذِكْرُ الْمَوْتِ يُمِيتُ الشَّهَوَاتِ فِي النَّفْسِ ... - یاد مرگ خواهش‌های باطل را از دل زائل می‌کند و ریشه‌های غفلت را قطع می‌کند و دل را به وعده‌های الهی قوی و مطمئن می‌گرداند و طبع را رقیق و نازک می‌سازد و عِلْم‌های هوا و هوس را می‌شکند و آتش حرص را فرو می‌نشانند و دنیا را حقیر و بی‌مقدار می‌سازد» (بحارالانوار: ج ۶، ص ۱۳۳، ح ۳۲)

نشانه کیاست و زیرکی: از امام باقر "علیه السلام" روایت شده است که از پیامبر خدا "صلی الله علیه و آله" پرسیدند: «أَيُّ الْمُؤْمِنِينَ أَكْبَسُ؟ فَقَالَ: أَكْثَرُهُمْ ذِكْرًا لِلْمَوْتِ وَ أَشَدَّهُمْ لَهُ اسْتِعْدَادًا - کدام يك از مؤمنان زیرک‌تر است؟ فرمود: آنکه بیشتر از همه مرگ را یاد کند و آمادگی‌اش برای آن شدیدتر باشد» (ترجمة محبة البيضاء: ج ۸، ص ۲۹۱)

زندگی توأم با آسایش و عدالت و درست‌کاری: اسکندر ذوالقرنین در مسافرت‌های طولانی خود با جمعیتی برخورد کرد که از پیروان حضرت موسی "علیه السلام" بودند. زندگی آنان در آسایش و توأم با عدالت و درست‌کاری بود. اسکندر خطاب به آنان گفت: ای مردم! مرا از جریان زندگی خود آگاه سازید که سراسر زمین را گشتم ولی مانند شما را ندیدم. به من بگویید چرا قبرهای مردگانتان در حیاط خانه‌های شماست؟ مردم گفتند: برای آنکه مرگ را فراموش نکنیم و یاد مرگ از قلب ما خارج نشود. اسکندر گفت: چرا خانه‌های شما درب ندارد؟ مردم گفتند: در میان ما دزد و خائن وجود ندارد و همه مورد اطمینان یکدیگریم. اسکندر گفت: چرا حاکم و فرمانروا ندارید؟ مردم گفتند: چون به یکدیگر ظلم و ستم نمی‌کنیم. اسکندر پس از پرسش‌های دیگر، به آن مردم علاقمند شد و در آن سرزمین ماند و سرانجام همان‌جا از دنیا رفت. (داستان‌های بحارالانوار، ج ۳، ص ۲۱۷)

ایجاد روحیه زهدگرایی: پیامبر گرامی اسلام "صلی الله علیه و آله" فرمود: «أَفْضَلُ الزَّهْدِ فِي الدُّنْيَا ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ ذِكْرُ الْمَوْتِ وَ أَفْضَلُ التَّفَكُّرِ ذِكْرُ الْمَوْتِ، فَمَنْ أَثْقَلَ ذِكْرَ الْمَوْتِ وَجَدَ قَبْرَهُ رَوْضَةً مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ - برترین زهد در دنیا، یاد مرگ است و برترین عبادت، یاد مرگ است و برترین تفکر نیز، یاد مرگ است. کسی که زیاد به یاد مرگ باشد، قبر خود را باغی از باغ‌های بهشت می‌یابد» (بحارالانوار: ج ۶، ص ۱۳۷، ح ۴۱)

دوری از گناهان: پیامبر اکرم "صلی الله علیه و آله" فرمود: «أَكْثَرُوا مِنْ ذِكْرِ الْمَوْتِ فَإِنَّهُ يَمَحِّصُ الذَّنْبَ وَ يَزْهَدُ فِي الدُّنْيَا - مرگ را یاد کنید که یاد مرگ گناهان را از بین می‌برد و باعث پارسایی در دنیا می‌شود» (مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام: ص ۴۸۷)

در راه حقیقت آورد گمراه را

از ذکر بسی نور بزاید مه را

این گفتن لا اله الا الله را

هر صبح و نماز و شام ورد خود ساز

رهایی از غم‌های دنیا و تحمل مصائب: از ابابصیر نقل شده است که: به امام صادق "علیه السلام" از وسواس شکایت کردم، فرمود: ای ابا محمد! به یاد آور که پیوندهایت در قبر گسسته می‌شود؛ دوستانانت هنگامی که تو را به خاک سپردند از نزد تو باز می‌گردند، آنچه در سرت داری از سوراخ‌های بینی تو سرازیر می‌شود و کرم‌ها گوشت بدنت را می‌خورند. هرگاه اینها را به یاد آوری آنچه از آن شکایت داری فراموش خواهد شد. (ترجمة محبة البيضاء: ج ۸، ص ۲۹۰) ابا بصیر گفت: به خدا سوگند من اینها را به یاد نیآوردم جز اینکه آنچه از غم‌های دنیا دچار بودم فراموشم شد. همچنین امیرمؤمنان علی (علیه السلام) می‌فرماید: «مَنْ صَوَّرَ الْمَوْتَ بَيْنَ عَيْنَيْهِ هَانَ أَمْرُ الدُّنْيَا عَلَيْهِ - هر که مرگ را میان دو چشمش مجسم سازد، کار جهان بر وی آسان می‌شود» (غررالحکم و درر الکلم: ص ۳۲۰)

ایجاد روحیه سازگاری: و نیز حضرت امیر (علیه السلام) فرمود: «من أكثر من ذكر الموت رضى من الدنيا بالكفاف - کسی که زیاد یاد مرگ کند از دنیا به کم و اندک راضی گردد» (نهج البلاغه، حکمت ۳۵۷)

رقت و لطافت قلب: حضرت عیسیٰ (علیه السلام) فرمود: «و به حق می‌گویم همچنان‌که اگر مدتی بر حیوان سوار نشوند و او را رها کنند، پس از آن سوار شدنش مشکل می‌شود و حیوان ضعیف می‌گردد، همچنین قلوب انسان‌ها اگر با یاد مرگ و عبادات، رقیق و نرم نشوند، دچار قساوت می‌گردند و سخت می‌شوند - و بحق اقول لكم: كما انّ الدابة اذا لم تتركب تمتهن و تصعب و تغیر خلقها كذلك القلوب اذا لم ترق بذكر الموت و نصب العبادة تقسوا و تغلظ» (ترجمة عدة الداعي: ص ۱۸۰)

محشور شدن با شهدا: پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به یاد آورندگان آن را، هم درجه شهدا معرفی می‌کند؛ چنانچه وقتی یکی از اصحاب از ایشان پرسید: یا رسول الله! آیا کسی با شهدا محشور می‌شود؟ حضرت در جواب فرمود: «نعم من يذكر الموت في اليوم و الليلة عشرين مرة - آری، آن کسی که در شبانه روز بیست مرتبه مرگ را یاد کند با شهدا محشور خواهد شد» (مجموعه ورام، آداب و اخلاق در اسلام: ص ۴۸۶)

علت این فضیلت آن است که یاد مرگ باعث دوری از دنیا شده و انسان را برای آخرت آماده می‌کند، در حالی که غفلت از مرگ موجب غرق شدن در شهوت‌های مادی می‌شود.

دل که بی یاد خدا شد دل نیست گوریست سرد ای عزیزان این شما را آخرین پند است و بس

«يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ * وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ * وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا - روزی که آسمانها چون فلز گداخته شود* و کوهها چون پشم زده گردد* و هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی (حال) نمی‌پرسد.»

پیامبر گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: «ثلاثة مواطن لا يذكر (فيها) أحد أحدًا! عند الميزان و عند الصراط و عند الصحف - سه جایگاه (هولناک) است که هیچ‌کس به هیچ‌کس نیست! پای سنجش و میزان، در نزد پل صراط، و هنگام دریافت نامه اعمال» (تفسیر برهان رحلی، ج ۴، ص ۴۲)

نام‌ها و صفاتی در قرآن کریم برای قیامت آمده که هرکدام به گونه خود یکی از ویژگی‌ها یا رخدادهای آن روز را به تصویر می‌کشد که می‌توان فهمید افزون بر حالت آسمان و زمین که خبر از آسمان روح انسان و زمین جسم او دارد، چرا هیچ دوست صمیمی از دوست صمیمی (حال) نمی‌پرسد؛ اسامی مانند:

«يوم لا مرد له من الله - روز بی‌بازگشت (شوری/ ۴۷)»

«يوم اليم - روز دردناک (هود/ ۲۶)»

«يوم عسير - روز سخت (مدثر/ ۱۹)»

«يوم ما ثقيل - روزی سنگین (انسان/ ۲۷)»

«يوم عقيم - روز بدفرجام (حج/ ۵۵)»

«يوم الفصل - روز فصل خصومت، روز جدایی (نبأ/ ۱۷)»

«يوم الوعيد - روز تهدید، روزی که بدان هشدار داده شده (ق/ ۲۰)»

«يوم التغابن - روز احساس غبن، روز پشیمانی (تغابن/ ۹)»

«يوم الحسرة - روز اندوه و رشک (مریم/ ۳۹)»

«يوم الحق - روز برحق (نبأ/ ۳۹)»

«يوم محيط - روز احاطه‌کننده (هود/ ۸۴)»

«يوم يقوم الروح و الملائكة صفا - روزی که روح القدس و فرشتگان به صف می‌ایستند (نبأ/ ۳۸)»

«یوم تشخص فيه الابصار - روزی که چشم‌ها در آن خیره و حیران می‌شوند(ابراهیم/ ۴۲)»
 «یوما تتقلب فيه القلوب و الابصار - روزی که در آن دل‌ها و چشم‌ها دگرگون می‌شوند(نور/ ۳۷)»
 «یوم يتذكر الانسان ما سعى - روزی که انسان تلاش خود را به یاد می‌آورد(نازعات/ ۳۵)»
 «یوما يجعل الولدان شيبا - روزی که کودکان را پیر می‌کند(مزل/ ۱۷)»
 «یوما عبوسا قمطريرا - روزی دُژم و اندوهگین(انسان/ ۱۰)»
 «یوم تبلى السرائر - روز برملا شدن اسرار، روز آشکاری درون‌ها(طارق/ ۹)» و دیگر نامهای قیامت.
 در احادیث اهل بیت (علیهم السلام) نیز می‌خوانیم:
 پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «يَمُوتُ الرَّجُلُ عَلَى مَا عَاشَ عَلَيْهِ، وَ يُحْشَرُ عَلَى مَا مَاتَ عَلَيْهِ - آدمی آن گونه که زندگی کرده است، می‌میرد و بر همان حالی که مرده است، برانگیخته می‌شود.» (تبییه الخواطر : ۱۳۳/۲)
 و نیز فرمود: «در روز قیامت، همگان تشنه وارد می‌شوند - كُلُّ مَنْ وَرَدَ الْقِيَامَةَ عَطْشَانًا» (کنز العمال : ۳۸۹۳۸)
 امام علی علیه السلام می‌فرماید: إِنَّ بَعْدَ الْبَعْثِ مَا هُوَ أَشَدُّ مِنَ الْقَبْرِ... - زمان بعد از برانگیخته شدن سخت تر از قبر است، روزی است که در آن کودکان خردسال پیر می‌شوند و بزرگسالان هوش از سرشان می‌رود و جنین‌ها سقط می‌شوند. هول و هراس آن روز حتی فرشتگان بی گناه را به وحشت می‌افکند. چه رسد به کسی که با گوش و چشم و زبان و دست و پا و شرمگاه و شکم خویش گناه کرده است [وای بر او] اگر خداوند وی را نیامرزد و آن روز بر او رحم نکند» (الأمالی للطوسی : ۳۱/۲۸)
 امام زین العابدین (علیه السلام) فرمود: «أَشَدُّ سَاعَاتِ ابْنِ آدَمَ ثَلَاثٌ: السَّاعَةُ الَّتِي يُعَايِنُ فِيهَا مَلَكُ الْمَوْتِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقُومُ فِيهَا مِنْ قَبْرِهِ وَ السَّاعَةُ الَّتِي يَقِفُ فِيهَا بَيْنَ يَدَيِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - سخت‌ترین ساعات بنی‌آدم در سه جا است: ساعتی که ملک‌الموت (حضرت عزرائیل(ع)) را می‌بیند و هنگامی که از قبر بیرون می‌آید و زمانی که در برابر خدای تبارک و تعالی (جهت محاکمه و دادرسی) قرار می‌گیرد» (بحار، ج ۷، ص ۱۰۵)
 در دعای کمیل مولا علی(علیه السلام) بعد از اینکه اظهار ضعف در مقابل بلاهای دنیوی و عقوبات و ناملایمات آن می‌کند و می‌گوید: بلای دنیا دوامش کم و مدتش کوتاه است، می‌فرماید: چگونه بر بلای آخرتی که ناملایمات و دردش بیشتر و مدتش طولانی است مقاومت کنم؟ سپس کلام را به اینجا می‌رساند که: «فَهَبْنِي يَا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مُوَلَّايَ وَ رَبِّي صَبْرْتُ عَلَى عَذَابِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ وَ هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كَرَامَتِكَ - (بر فرض ای معبود و آقا و مولا و پروردگارم صبر کردم بر عذاب [دردناک و جانسوز تو ولی] چگونه صبر کنم بر دوری و فراق از تو و بر فرض صبر کردم بر سوزش آتش تو، چگونه صبر کنم بر چشم پوشی و دوری از کرامت و بزرگواری تو؟)»
 از این کلمات مولا در دعای شریف کمیل فهمیده می‌شود که: فراق و دوری از خداوند و عدم رضایت او از بنده اش و حرمان از لقاء و دوری از رحمت و کرامت او، از زمره عقوباتی است که بالاتر از عذاب جهنم و سوختن جسم است.
 حدیث هول قیامت که گفت واعظ شهر کنایتیست که از روزگار هجران گفت

« يُبْصَرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ بَنِيهِ * وَصَاحِبَتَهُ وَأَخِيهِ * وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُؤْوِيهِ * وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ »: از گران‌بها ترین ارزش‌های قرآن کریم، نمایش آینده و نتیجه امور مهم زندگانی انسان است؛ یعنی اعطای بصیرت برای آنان که باورش دارند. قرآن پیشاپیش روزی را به مجرم نشان می‌دهد که همه دنیای خود و دلبستگی‌هایش را حاضر است فدا کند تا از عذابی الیم نجات یابد ولی سودی نمی‌بخشد. به راستی این پنجره‌ای که حقایق آن‌سوی جهان را به ما نشان

می‌دهد، چقدر ارزش دارد؟ حقایقی که گریزی از آن نیست و درانتظار هر انسانی است. مولای متقیان علی (علیه‌السلام) فرمود: « إِنَّمَا الدُّنْيَا مُنْتَهَى بَصَرِ الْأَعْمَى لَا يُبْصِرُ مِمَّا وَرَاءَهَا شَيْئاً، وَالْبَصِيرُ يُنْفِذُهَا بَصَرُهُ وَ يَعْلَمُ أَنَّ الدَّارَ وَرَاءَهَا- آدم کوردل عوالم ماورای دنیا را نمی‌بیند و زندگی دنیوی تنها نهایت دیدن او است اما آدم بینا و بصیر آینده را با بصیرت خود می‌نگرد و می‌داند که سرای حقیقی و جاودان و رای این جهان است» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۲۳)

ای بسا بیدار چشم و خفته دل
خود چه بیند دید اهل آب و گل
آنکه دل بیدار دارد، چشم سر
گر بخسید، بر گشاید صد بصر
گر تو اهل دل نه ای بیدار باش
طالب دل باش و در پیکار باش

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمود: « شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاهِ وَ شَرُّ مَنْ ذَلِكَ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ!- بدترین مردم آن کسی است که آخرت خود را به دنیای خود بفروشد و بدتر از او آن کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگری بفروشد! » (لنالی‌الخبار، ج ۵، ص ۹۵)
پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمود: « الصِّرَاطُ أَدْقُ مِنَ الشَّعْرِ وَ أَحَدُ مِنَ السَّيْفِ وَ أَظْلَمُ مِنَ اللَّيْلِ!- پل «صراط» از مو باریک‌تر از شمشیر برنده‌تر و از شب تاریک‌تر است! » (علم‌الیقین، ص ۹۶۹) و نیز فرمود: « اِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ وَ نُصِبَ الصِّرَاطُ عَلَى جَهَنَّمَ لَمْ يَجْزْ عَلَيْهِ الْأَمَنُ كَانَ مَعَهُ جَوَازٌ فِيهِ وَ لَإِيَّةٌ عَلَى بَنِي أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ- زمانی که روز قیامت برپا می‌شود و پل صراط بر روی جهنم نصب می‌گردد هیچ‌کس حق عبور از آن را نخواهد داشت جز کسی که برگ عبوری که در آن ولایت علی بن ابی‌طالب (علیه‌السلام) ثبت شده به همراه خود داشته باشد. » (بحار، ج ۸، ص ۶۸)

مولا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) می‌فرماید: « فَلَا أَرَأِي وَاقِعاً عَلَى الصِّرَاطِ أَدْعُو وَ أَقُولُ: رَبِّ سَلِّمْ شِيعَتِي وَ مُحِبِّي وَ أَنْصَارِي وَ مَنْ تَوَلَّاهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا- من در آن روز، استوار بر صراط ایستاده‌ام و خدا را می‌خوانم: پروردگارا شیعیان و دوستان را و یاورانم و هر کس در دار دنیا ولایت را پذیرفته است او را سالم و ثابت‌قدم بدار. » (بحار، ج ۸، ص ۳۹)

طاعت و اوراد با روی و ریا
گشت زقوم و حمیم اندر جزا
صورت عدلست میزان و صراط
بر صراط حق گذر با احتیاط
شد عبادتها و طاعات ای پسر
آن طعام و شربت همچون شکر

پیامبر گرامی اسلام (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمود: « اِذَا قُمْتُ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ تَشَفَّعْتُ فِي أَصْحَابِ الْكِبَائِرِ مِنْ أُمَّتِي فَيُشَفَّعَنِي اللَّهُ فِيهِمْ. وَ اللَّهُ لَا تَشَفَّعُ فِيمَنْ آذَى ذُرِّيَّتِي- زمانی که به «مقام والای محمود» دست یافتم گنهکاران کبیره امتم را شفاعت خواهم کرد خداوند هم شفاعتم را خواهد پذیرفت. (اما) به خدا قسم شفاعتم به کسانی که ذریه و اهل‌بیت مرا اذیت و آزار کرده‌اند هرگز نخواهد رسید» (بحار، ج ۸، ص ۳۷)

مولا امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: « لَا يَشْغَلَنَّكَ عَنِ الْعَمَلِ لِالْآخِرَةِ شُغْلٌ فَإِنَّ الْمُدَّةَ قَصِيرَةٌ!- (برحذر باش!) هیچ‌چیز تو را از عمل آخرت باز ندارد که فرصت کم است و مدت کوتاه! » (فهرست غرر، ص ۶) و همچنین فرمود: « كُنْ فِي الدُّنْيَا بِبَدَنِكَ وَ فِي الْآخِرَةِ بِقَلْبِكَ وَ عَمَلِكَ- در دنیا (با مردم) با بدنت زندگی کن ولی (تمام) دل و فکر و عملت متوجه آخرت باشد» (فهرست غرر، ص ۵)

ما درون را بنگریم و حال را
نی برون را بنگریم و قال را
ناظر قلبیم اگر خاشع بود
گر چه گفت لفظ نا خاضع بود
پس بیفزای حاجت ای محتاج زود
تا بجوشد از کرم دریای جود

وصلی‌الله علی محمد وآله